

# ابراهيم عليه السلام ابراهيم نامکه

مسعود عباسی جامد

وا تل علیهم نبأ ابراهيم « حکایت ابراهيم را بر امت بخوان ». (۱)

جغرافیای هجرت تاریخی حضرت ابراهيم عليه السلام (از اوربه کوفه، کربلا، قدس، مصر و مکه)

« فأرادوا به كيدا فجعلناهم الأسفلين و قال إني ذاهب إلى ربي سيهدين » (۲)  
نمرو ديان قصد مكر و ستمش (ابراهيم) کردند، ما هم آنها را پست و نابود ساختیم \* و (ابراهيم) گفت: من به سوی پروردگارم می روم؛ هدایتم می کند.

به دنبال احتجاجات فراوان حضرت ابراهيم عليه السلام با مشرکان و ستاره پرستان سرزمین بابل، خود کامکان با توطئه های گوناگون قصد از بین بردنش را کردند، ولی خداوند آنها را منکوب گرداند. و چون ابراهيم عليه السلام از هدایت آنان مأیوس شد، تصمیم گرفت آن سرزمین شر و طاغوت را رها سازد و به سوی خدا مهاجرت کند. و به شهرهای مقدس که در آنها خانه ی خدا بود، چون کوفه، کربلا، قدس، مکه و... رهسپار شد.

❁ از اور به کوفه:

« فآمن له لوط و قال إني مهاجر إلى ربي... » (۳)

لوط به او ایمان آورد و گفت: من مهاجر به سوی پروردگارم...

در این هجرت، برادرزاده ی ابراهيم، لوط که به او ایمان آورده بود، با وی هم سفر شد. (۴) و حضرت ابراهيم عليه السلام همراه لوط از دهکده ی کوئی یا شهر اوراز کناره رود فرات به سوی شمال حرکت کرد. ابتدا به شهر کوفه یا کوفان رسید. در مسجد کوفه که یکی از مساجد اربعه ی جهان و روزگاری خانه ی حضرت نوح عليه السلام در کنار آن بود، در کنار ستون پنجم به نماز ایستاد. چرا که او به تعبیر قرآن مجید یکی از شیعیان حضرت نوح عليه السلام بود.

۱- شعراء: ۶۹

۲- صافات: ۹۸ و ۹۹

۳- عنکبوت: ۲۶

۴- سیوطی، جلال الدین - الإیتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۷۱.



«وإن من شيعته لإبراهيم \* إذ جاء ربه بقلب سليم» (۵)

و ابراهیم علیه السلام از شیعیان نوح علیه السلام بود؛ آن گاه که با قلبی سالم به سوی پروردگارش آمد. امام صادق علیه السلام به بعضی از اصحاب خود می فرمودند: در کنار ستون پنجم، دو رکعت نماز گزار که مصلاهی ابراهیم علیه السلام است. (۶)  
**از کوفه به کربلا:**

و آن گاه حضرت ابراهیم از کوفه، راه خود را به طرف شمال ادامه دادند و از کناره ی رود فرات به سرزمین پربرکت کربلا رسیدند. (۷)

### واژه کربلا:

لفظ کربلا (کریلات) یعنی: یافتن حیات و این مفهوم، هماهنگ با روایتی است که می گوید:

کربلا: بقعه ای است که خداوند در آن نوح و کسانی که به او ایمان آورده بودند، رانجات داد. (۸) واژه ی کربلا، ترکیب شده از کور (خانه ی بزرگ عبادت) ویلات (امان و سلام) و بنا بر این کوریلات یعنی شهر یا معبد امن یا بیت السلام. (۹)  
کربلا در فرهنگ عامه به معنی: سرزمین بلا است. از آن جا که خداوند نجات موسی علیه السلام و هارون و قوم بنی اسرائیل را از دست فرعون و فرعونیان با تعبیر کرب (یعنی نجات از بلای عظیم) بیان می کند: «و نجیناهما و قومهما من الکرב العظیم» (۱۰) واژه ی کرب ۴ مرتبه در قرآن کریم آمده است. (۱۱)

حضرت ابراهیم علیه السلام مدتی در این بقعه ی مبارکه (کربلا) به عبادت پرداخت و آن گاه رهسپار بابل شد.

### از کربلا به بابل:

در قصص اسلامی آمده که حضرت ابراهیم علیه السلام از شهر اور به بابل آمده و در همین شهر از دواج کرده، سپس به کنعان مهاجرت می کند. (۱۲)  
نام قدم بابل شتعار بوده (۱۳) و نمرود، پادشاه معاصر حضرت ابراهیم علیه السلام در آن سکونت داشته است. بسیاری از مورخین، این شهر را عظیم ترین شهر دنیا دانسته اند.

معبد بیل، یکی از معابد بابل، در کنار رود فرات که در سال ۱۸۴۵ م، توسط یک نقاش انگلیسی، به نام (هنری لایارد) به تصویر کشیده است، این معبد مانند کعبه، مکعبی شکل ساخته شده است.

رودخانه ی فرات، این شهر را به دو قسمت تقسیم می کند و هیکل (معبد) بیل از جمله عمارات معظم این شهر می باشد، بعضی از مورخین، شهر بابل را از عجایب



۵- صافآت: ۸۵-۸۳

۶- قمی، شیخ عباس- مفاتیح الجنان، ص ۲۱۹.

۷- مشهور است که وقتی امام حسین علیه السلام به این سرزمین رسیدند، از نام آن پرسیدند. گفته شد که نام آن کربلاست، امام فرمودند: خدا یا پناه می برم به تو از کرب و بلا. (آیه الله محسن امین، فی رحاب ائمة أهل البيت، ج ۳، ص ۱۰۱)

۸- مجلسی، محمد باقر- بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۳۳.

۹- سید سامی البدری، القرآن و علم الآثار، ص ۲۳ تا ۲۵.

۱۰- صافآت: ۱۱۵.

۱۱- صافآت: ۷۶ تا ۱۱۵، انعام: ۶۴ انبیاء: ۷۶.

۱۲- خزائلی، اعلام قرآن، ص ۲۳۹.

۱۳- تورات، سفر پیدایش، ۱۰: ۱۱.

هفت گانه ی دنیا شمرده اند. (۱۴)

گفت و گوی فرمانروای بابل با ابراهیم عليه السلام: «ألم تر إلی الذی حاج إبراهیم فی ربّه أن ۛ اتاه الله الملك...» (۱۵)

آیا ندیدی کسی که با ابراهیم درباره ی پروردگارش محاجّه (و مفسطه) کرد: زیرا خداوند به وی حکومت داده بود (و او در اثر نداشتن ظرفیت دچار غرور شد و پرسید: پروردگار تو کیستی) هنگامیکه ابراهیم گفت: پروردگار من کسی است که مرده را زنده می کند و زنده را می میراند. پادشاه گفت: من هم زنده می کنم و می میرانم. (بلافاصله دستور داد دو زندانی آوردند، یکی را آزاد و دیگری را اعدام کرد.) ابراهیم گفت: خداوند، خورشید را از مشرق بر می آورد، اگر راست می گویی تو آن را از مغرب بر آور. در این جا بود که آن کفر پیشه از پاسخ فروماند. (۱۶) بر اساس روایات، نمرود (۱۷) فرزند کوش بن حام پسر نوح بود (۱۸) که خداوند وی را در حالی که کودکی شیرخوار بود و همراه پدر و مادر در سفر دریایی غرق شده بود، توسط تخته ی کشتی به ساحل نجات رساند و پرورش داد و وی را پادشاهی داد اما او خدا را فراموش کرد و در زمین به جباری پرداخت و شهر بابل را بنیاد نهاد (۱۹) و بابل تا مدتی زمین نمرود خوانده می شد. (۲۰)

### از بابل تا حرّان:

حضرت ابراهیم عليه السلام پس از مدتی اقامت در بابل، این شهر را به سوی حرّان ترک کرد. حرّان یکی از شهرهای قدیمی بین النهرین (عراق) است. این شهر موطن خانواده ی ابراهیم بعد از مهاجرت از اور می باشد. (۲۱)

این شهر سهم مهمی در زندگی ابراهیم، داشته، شواهد باستان شناختی این معنی را تأیید می کند. (۲۲) در بعضی از منابع اسلامی آمده است که در این شهر حضرت ابراهیم، با سارا دختر فرمانروای حرّان که از دین پدران بیزار می جست ازدواج کرد. (۲۳)

و گویند چون خداوند، ابراهیم را از آتش نجات داد ساره دختر وزیر نمرود که در آن زمان کسی از او نیکوتر نبود تحت تأثیر قرار گرفت و مسلمان شد و به همسری وی درآمد. (۲۳)

### هجرت ابراهیم عليه السلام به دمشق:

«وقال إني ذاهب إلی ربّي سیهین»

حضرت ابراهیم عليه السلام به قصد شام و فلسطین، شهر حرّان را ترک کرد و در مسیر خود به شهر اورفه رسید و آن گاه از طریق تدمر (پالمیرا) رهسپار شد. (۲۶)



۱۴- جیمز هاس، قاموس کتاب

مقدس، ص ۱۵۱.

۱۵- بقره: ۲۵۸.

۱۶- همان.

۱۷- البیان، طوسی، ج ۷، ص ۲۳.

۱۸- تورات، سفر بیدایش، ۱۰: ۱۰.

۱۹- همان.

۲۰- تورات، میکاه، ۵: ۶.

۲۱- اعلام المنجد، ۲۳۱.

22- Finegan, Jack, Light, Form the ancient past, New York, 1959, page 68

۲۳- ثعلبی، قصص القرآن، ص ۷۹.

۲۴- نیشابوری، ابو اسحاق - قصص

الأنبیاء، ص ۵۴.

۲۵- صافات: ۹۹.

26- Rawlinson, George, Ancient Egypt, London 1886, page 124.



دمشق بر سر راه طولانی حرّان به کنعان قرار گرفته است و می بایست آن حضرت دست کم برای مدتی در این شهر به استراحت و تجدید قوا پرداخته باشد.

### ● هجرت ابراهیم علیه السلام به کنعان:

حضرت ابراهیم علیه السلام با عبور از رود اردن وارد کنعان شد، حضرت ابراهیم پس از چند سال اقامت در این سرزمین، راه خود را به سوی جنوب ادامه داد و چون گرفتار خشک سالی و قحطی شد، به سوی مصر رهسپار شد. (۲۷)

### ● شهر ابراهیم خلیل:

شهر ابراهیم خلیل الله علیه السلام حبرون کنونی واقع در فلسطین، حدود ۳۲ کیلومتری جنوب غربی اورشلیم است. تاریخ این شهر به زمان قبل از تورات برمی گردد و در این کتاب، نامش یک بار در داستان ابراهیم علیه السلام آمده است. (۲۸)

### ● تولّد اسماعیل و پیدایش اسماعیلیان:

«الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر اسماعیل و إسحق...» (۲۹)

سپاس خداوند را که در سن پیری، به من اسماعیل و اسحاق را موهبت فرمود... ساره، همسر ابراهیم علیه السلام عقیم و نازا بود و از این که شوهرش بدون نسل بود رنج می برد. از این رو به حضرت ابراهیم علیه السلام پیشنهاد کرد که با هاجر همسر شود، باشد که از وی صاحب نسل و ذریه گردد.

ابراهیم علیه السلام هاجر را به همسری پذیرفت و خداوند به او پسری داد که وی را اسماعیل نامیدند. از نظر تورات، ابراهیم ۸۶ ساله بود که اسماعیل تولد یافت. (۳۰)

### ● تولّد اسحاق و پیدایش اسرائیلیان:

چندی بعد فرشتگان به حضرت ابراهیم علیه السلام بشارت پسری دیگر از ساره دادند و ساره از این بشارت در تعجب شد و خندید که چگونه ممکن است از مردی پیر و زنی عقیم، فرزندی پدید آید.

فرشتگان گفتند: «تعجبین من أمر الله» آیا از این کار خدا تعجب می کنی؟ (۳۱) یک سال نگذشت که خداوند فرزندی به ساره در سن ۹۰ سالگی عطا فرمود. اسمش را یصحق گذاردند. گفته می شود یضحک از ضحک به معنای خنده می آید. زیرا هر کس راجع به آن ولادت شگفت انگیز می شنید، تعجب می کرد و می خندید.

خداوند این فرزند را نیز صالح گرداند و به مقام نبوت رساند و نوه ای به نام یعقوب به او داد که صاحب ۱۲ فرزند شد (یوسف و برادران). این دوازده تن، اسباط و قبائل دوازده گانه ی بنی اسرائیل را تشکیل دادند.



۲۷- تورات، سفر پیدایش، ۹:۱۲ و ۱۰.

۲۸- حمیدی، سید جعفر- تاریخ اورشلیم (بیت المقدس)، ص ۳۰۲.

۲۹- ابراهیم: ۳۹.

۳۰- تورات، سفر پیدایش، فصل ۱۶.

۳۱- هود: ۷۳.

## ابراهیم علیه السلام:

هاجر: اسماعیل... (قریش): محمد صلی الله علیه و آله و فاطمه سلام الله علیها): حسن و حسین علیهما السلام: سایر امامان: قائم آل محمد علیه السلام  
ساره: اسحاق...: یعقوب: اسباط بنی اسرائیل (۱۲ تن؛ قبیله): انبیاء بنی اسرائیل (داوود، سلیمان و...)

## حضرت ابراهیم علیه السلام بنیانگذار فرهنگ و تمدنی سالم:

حضرت ابراهیم علیه السلام تحولی عظیم در فرهنگ مردم پدید آورد و آنان را از پرستش مظاهر طبیعت، ماه و خورشید و ستاره و بت ها، خدایان ساکت از ظلم و ستم به سوی خداوند زنده و هشداردهنده سوق داد. (۳۲)

آن حضرت با گسترش توحید و یکتاپرستی و آزاد ساختن انسان ها از خرافات و بت پرستی و انسان پرستی و نیز با بنای خانه ی کعبه، کانون وحدت و همبستگی به وجود آورد و پایه گذار فرهنگ و تمدنی سالم گردید و بنا تحریم جنگ در ماه های حرام و برقراری مسجد الحرام و شهر مکه، محیط امنی را پدید آورد که زمینه ساز توسعه ی اقتصادی و بازرگانی شد:

«و إذ قال إبراهیم رب اجعل هذا بلداً آمناً وارزق أهله من الثمرات» (۳۳)

و به یاد آور آن گاه که ابراهیم گفت: پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی قرار ده و اهل آن را از ثمرات (محصولات کشاورزی) روزی بخش.

این که ابراهیم علیه السلام اول تقاضای امنیت سپس تقاضای مواهب اقتصادی می کند بیان گر این نکته است که تا امنیت در شهر یا کشوری نباشد فراهم کردن یک اقتصاد سالم امکان ندارد.

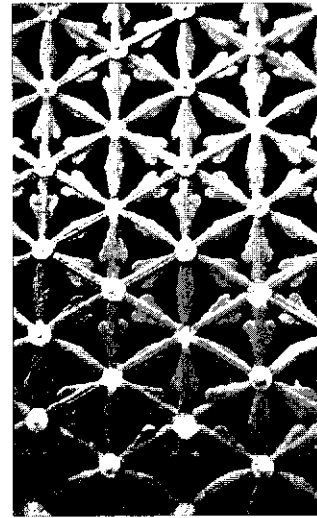
## حضرت ابراهیم در مصر:

گفته می شود که حضرت ابراهیم علیه السلام در مصر به عنوان یک رهبر روحانی با بزرگان مذهبی مصر به بحث و گفت و گو می نشیند. (۳۴) چون ابراهیم در بابل، علم نجوم و ریاضیات را فرا گرفته بود، در مصر به آموزش می پردازد. (۳۵)

برخی، مدت اقامت آن حضرت را در مصر، ۲۰ سال ذکر کرده اند. (۳۶)

حضرت ابراهیم علیه السلام علم هندسه را از کلدیه به مصر آورد. آری حضرت ابراهیم علم نجوم و ریاضیات و هندسه را که در بابل در خدمت شروبت پرستی بود، در خدمت توحید در آورد و توجه آنان را از پرستش مظاهر طبیعت، ستاره و ماه و خورشید پرستی به سوی پدیدآورنده ی آنها سوق داد و به مردم آموخت که می توان با نیروی ایمان یک تنه امتی شد و با جهان شر و طاغوت مبارزه کرد. «قل ل ملّة إبراهیم حنیفاً و ما کان من المشرکین» (۳۸)

ادامه دارد...



۳۲- انعام: ۷۹.

۳۳- بقره: ۱۲۱.

۳۴- سوسه احمد- العرب و اليهود فی التاریخ، دمشق ۱۹۷۲م، ۲۵۴.

35- The Encyclopedia of Religion VIP. 16

۳۶- عقاد، عباس- ابوالانبیاء المجموعه الکامله، ج ۱۱، بیروت ۱۹۷۸م، ص ۵۱ و ۵۰.

۳۷- ویل دورانت، تاریخ تمدن.

۳۸- بقره: ۱۲۵.